



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران



فصلنامه فقه برای تطبیق

Volume 2, Issue 1, 2022

Compensation of Damages to the Environment of Caspian Sea Sides with Emphasis on Criminal Law

Sara Rostami ^{*1}, Ramin Poursaid ², Zari Firouzkah ³

1. Assistant Professor and Faculty Member of Law and Social Sciences Department, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor and Faculty Member of Law and Social Sciences Department, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Faculty Member of the Department of Theology (Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law), Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 79-92

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0672-3616

TELL: +989353919437

Email: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 01 Dec 2021

Revised: 07 Jan 2022

Accepted: 14 Feb 2022

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Compensation,
Marine Environment,
Civil Responsibility,
Water Border, Caspian Sea.

ABSTRACT

The Caspian Sea, as the largest lake in the world, faces environmental problems on its shores and water borders, and its solution is criminal protection of the urban environment in the form of criminalizing destructive behaviors against trees, waste, air, water and soil pollution and noise pollution, as well as threats to public health and damage to the environment based on the provisions of the Convention on the Law of the Sea. Governments have the sovereign right to exploit natural resources according to environmental policies (water border of the Caspian Sea). The question is how to compensate the damage to the environment of the Caspian Sea? And the hypothesis is that the issue of Caspian Sea border contamination is always disputed. The result is that if the damage occurs by the workers in any case, even though the sponsor government has done appropriate measures; it is possible to suppose criminal responsibility and compensation for him.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, S; Poursaid, R & Firouzkah, Z (2022). "Compensation of Damages to the Environment of Caspian Sea Sides with Emphasis on Criminal Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(1): 79-92.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

جبران خسارت وارده به محیط زیست در مرز آبی دریای خزر با تأکید بر حقوق کیفری

سارا رستمی^{۱*}، رامین پور سعید^۲، زری فیروزکاه

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. عضو هیأت علمی گروه الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، در سواحل و مرزهای آبی خود با مشکلات زیست‌محیطی روبه‌رو است و راهکار برون‌رفت از آن، حمایت کیفری از محیط زیست شهری در قالب جرم‌انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، پسماندها، آلودگی هوا، آب‌وخاک و آلودگی صوتی و همچنین تهدید علیه بهداشت عمومی و خسارات وارده به محیط زیست در آن، محدود به مقررات کنوانسیون حقوق دریاها است. دولت‌ها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی مطابق سیاست‌های محیط زیستی (مرز آبی دریای خزر) حق حاکمیت دارند. سؤال مورد نظر این است که جبران خسارت وارده به محیط زیست در مرز آبی دریای خزر به چه صورت می‌باشد؟ و فرضیه آن است که موضوع آلودگی محیط زیست مرزهای دریای خزر مورد مناقشه بوده است. حاصل سخن اینکه اگر خسارت از سوی پیمانکار در هر صورت رخ دهد، ولو اینکه دولت حامی، اقدامات مقتضی لازم را انجام داده باشد، مسؤولیت کیفری و جبران خسارت برای وی متصور است. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و هدف جبران خسارت، مسؤولیت کیفری دولت‌های عضو در مرز آبی دریای خزر می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۹-۹۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۶۷۲-۳۶۱۶

تلفن: +۹۸۹۳۵۳۹۱۹۴۳۷

ایمیل: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

جبران خسارت، محیط زیست دریاها، مسؤولیت مدنی، مرز آبی، دریای خزر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی دریایی (موسوی و طباطبایی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴۷۱) یکی از چالش‌های اصلی نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست است. دیرزمانی است که مسؤولیت بین‌المللی دولت بخاطر خسارات زیست‌محیط بین‌المللی ناشی از فعالیت‌های برون‌مرزی وی به رسمیت شناخته شده است (International Court of Justice, 1949). از این‌رو، دولت‌ها مسؤول حفاظت و حمایت از محیط زیست دریاها هستند. کنوانسیون حقوق دریاها که از این‌پس، کنوانسیون اسناد جامع مقررات حفاظت و حمایت از محیط زیست دریاها است. جامعیت مقررات کنوانسیون در جلوگیری از هر نوع آلودگی محیط زیست دریاها موجد تعهدات دولت‌ها است (Louka, 2006: 323). در عین حال که دولت‌های عضو کنوانسیون، در دیگر مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز دارای مسؤولیت مدنی مطلق هستند، که می‌تواند به روشن شدن ابعاد مسؤولیت آن‌ها در کنوانسیون کمک کند.

محیط زیست «مرز آبی دریای خزر» مشمول مقررات کنوانسیون است. ناحیه در امتداد فلات قاره و در زیر دریاهای آزاد قرار گرفته است. ناحیه و کلوخه‌های پلی‌متالیک آن، میراث مشترک بشریت هستند. «ناحیه» منطقه خارج از قلمرو ملی کلیه دولت‌ها است. هیچ کشوری بر هیچ قسمتی از ناحیه و منابع آن ادعای حاکمیت ندارد. دولت ساحلی از حق حاکمیت خود تنها برای اکتشاف، استخراج و مدیریت منابع طبیعی منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره استفاده می‌کند (عالی‌پور و بستان، ۱۳۹۴: ۱۱۱). آب‌های ساحلی خزر بخشی از دریای سرزمینی هستند. دریای سرزمینی سابق بر این، حدفاصل آب‌های داخلی تا دریای آزاد تلقی می‌شد، لیکن این محدوده بعدها به منطقه‌ی فی‌مابین آب‌های داخلی و منطقه انحصاری اقتصادی تغییر یافت (بیگ‌زاده، ۱۳۸۹:

۱۲). منطقه نظارت‌بخشی از منطقه انحصاری اقتصادی است. حق بر ناحیه (مرز آبی) و منابع آن به کل بشریت تعلق دارد. «مقام دریاها» به نمایندگی از طرف جامعه بشری بر فعالیت دولت‌ها در ناحیه نظارت می‌کند.

مقام دریاها سازمانی است که از طریق آن کشورهای عضو کنوانسیون فعالیت‌های خود را در مدیریت منابع ناحیه سازماندهی و کنترل می‌کنند. کلوخه‌های پلی‌متالیک ناحیه تحت کنترل مقام دریاها و مطابق با مقررات کنوانسیون از سوی تمام کشورها قابل استخراج و تملیک هستند. مشروط به اینکه از قبل این استخراج و تملیک منابع به محیط زیست ناحیه خسارتی از سوی دولت‌های متقاضی فعالیت در این منطقه وارد نشود. مقام دریاها برای جبران خسارات زیست‌محیطی دریاها به مقررات کنوانسیون و موافقت‌نامه اجرایی آن (۱۹۹۴) تکیه دارد. در حالی که ماده ۳۰۴ کنوانسیون بر ضرورت به‌کارگیری بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست در تعیین میزان مسؤولیت دولت‌های عضو در جبران خسارات وارده بر محیط زیست دریای خزر تصریح دارد. از یک طرف تعهدات مقرر در کنوانسیون راجع به حمایت از محیط زیست دریاها منجر به ایجاد حقوق بین‌الملل عرفی شده است (Brinie & et al., 2009: 125).

از طرف دیگر اصل التزام به جبران خسارات زیست‌محیطی در دریای خزر، ریشه در قواعد عام مسؤولیت بین‌المللی دارد (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۰). پیکره اصلی جامعه بین‌الملل را کشورها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی یا غیردولتی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۳۴۲) از جمله دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، مقام دریاها، کمیسیون‌های شیلات منطقه‌ای و سازمان دریایی بین‌المللی تشکیل می‌دهند. اگرچه برخی معتقدند که شخصیت حقوقی بین‌المللی در حد انتظار برای آن‌ها در حقوق بین‌الملل شناسایی نشده است (قاسمی و تسخیری، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

بپذیرد. سوآلی مورد نظر این است که جبران خسارت وارده به محیط زیست در مرز آبی دریای خزر از نظر حقوق کیفری به چه صورت می‌باشد؟ بر این اساس ارائه مباحث نظری میزان مسؤولیت دولت عضو در قصور از مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامه اجرایی آن توسط موجودیت مورد حمایت تا شناسایی رویه عملی جبران خسارت زیست‌محیطی مرز آبی دریای خزر موضوع این نوشتار است و فرضیه بر این استوار است که مطالعات انجام شده همواره موضوع آلودگی محیط زیست مرزهای دریای خزر از نظر کیفری مورد مناقشه بوده، ولی همواره کسی در جهت جبران خسارت‌های وارده بر آن بر نیامده و اینکه دولت مقصر، متعهد به جبران خسارت به کشوری که مرز آبی آن دچار زیان شده، می‌باشد. از این‌رو، این پژوهش تلاشی است نوین و پاسخی است مبنی بر اینکه عدول از تعهدات در قبال محیط زیست مرز دریای خزر تابع مسؤولیت مطلق مدنی (جبران خسارت ناشی) از حقوق بین‌الملل محیط زیست است، اگرچه حتی دولت عضو تمام اقدامات شایسته و لازم را برای پایبندی به تعهدات انجام داده باشد و امید است دستاوردهای آن به جامعه حقوقی علاقمند به محیط زیست دریاها ارائه شود.

۱- پیشینه پژوهش

در رویه قضایی تحدید حدود فلات قاره دریای شمال بین کشورهای ساحلی (ایران، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و روسیه)، ذی‌نفع آن مطابق رأی مورخ ۲۰ فوریه سال ۱۹۶۹، صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری، امکان بررسی راه‌حل‌های جایگزین را در خصوص تقسیم دریای خزر مطابق اصول منصفانه را مطرح نمودند که امکان فراهم‌آوردن و پیگیری زمینه‌های مساعد به‌منظور جلوگیری از بروز بی‌عدالتی در تقسیم از طریق مذاکرات کشورهای ساحلی بیشتر گردد. محیط زیست ملل متحد در نخستین گام به سبب بحرانی بودن وضعیت محیط زیست دریای خزر، اقداماتی را برای

بنابراین به‌نظر می‌رسد ضرورت و مسؤولیت نظارت، پیگیری و به‌روز کردن مقررات بین‌المللی و اصول حقوقی حامی محیط زیست دریاها (خزر) برعهده سازمان دریایی بین‌المللی است (ملاحی و صالحی، ۱۳۹۱: ۷۲). اهمیت تعهدات دولت‌ها در حفاظت از ناحیه متکی بر بایسته‌های حقوق بین‌الملل است. قواعد حاکم بر محیط زیست طبیعی موضوع حقوق بین‌الملل محیط زیست است (مدنی، ۱۳۹۱: ۹۳). مضاف بر اینکه بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست در توسعه‌ی مسؤولیت جبران خسارت دربرگیرنده اصول کلی حقوق بین‌الملل دریاها هستند (Fayette, 2000: 360). مسؤولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در مرز آبی دریای خزر بر عهده دولت‌های منتفع است (مشهدی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۶: ۳۵۰).

از این‌رو، شناسایی و تثبیت مسؤولیت، جبران خسارت و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در آموزه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست برعهده دیوان بین‌المللی حقوق دریاها است که با مقام دریاها در ارتباط مستقیم است. تقاضای نظریه مشورتی از شعبه حل اختلاف بستر دریاها (صالحی، ۱۳۹۲: ۱۰۰) (از زیرمجموعه دیوان بین‌المللی حقوق دریاها)، یکی از ابعاد اعمال صلاحیت مقام دریاها بر اساس مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون و موافقت‌نامه اجرایی آن راجع به مسؤولیت و تعهدات دولت عضو نسبت به فعالیت‌های پیمانکار مورد حمایت وی در ناحیه است (International Seabed Authority, 2010). بنابراین، با توجه به اینکه مرز آبی دریای خزر دچار آلودگی‌های فراوان و نیز یکی از معضلات زیست‌محیطی می‌باشد، از این‌رو نیز شرکت‌های فعال در آن ناحیه در زمینه اکتشاف و استخراج منابع دریایی خزر فقط با حمایت دولت عضو کنوانسیون مجاز به فعالیت در ناحیه هستند، مشروط به این‌که مسؤولیت‌های فعالیت‌ها آن‌ها را دولت عضو در قبال مقام دریاها و دیگر اعضای کنوانسیون

دولت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل و نیز در روند تهیه و تدوین کد جنایات علیه صلح و امنیت بشریت مورد توجه ویژه قرار داشت. در پیش‌نویس اولیه مواد راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولت، یک ماده (ماده ۱۹) وجود داشت که جنایت بین‌المللی را چنین تعریف می‌کرد: «یک عمل متخلفانه بین‌المللی که در نتیجه نقض یک تعهد بین‌المللی بنیادین برای حفاظت از منافع اساسی جامعه بین‌المللی که نقض آن تعهد مزبور از جانب آن جامعه در کل به‌عنوان یک جنایت مورد شناسایی قرار گرفته است.» بعدها در پیش‌نویس نهایی طرح کمیسیون، ماده ۱۹ حذف شد. با حذف این ماده شبهاتی در ارتباط با عدم شناسایی مسؤولیت کیفری دولت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح شد (بیرانوند، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۱۱۲).

نکته مهمی که در این‌جا باید مدنظر قرار داد این است که کمیسیون حقوق بین‌الملل علی‌رغم حذف ماده ۱۹، رژیم مسؤولیت دوگانه‌ای را به رسمیت شناخته است: «یکی در موارد نقض تعهدات عادی و دیگری در موارد نقض قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول که در موارد نقض تعهدات عام‌الشمول و قواعد آمره، تعهداتی را برای دولت ناقض، و همچنین تعهداتی برای سایر دولت‌ها در نظر گرفته است.» در ماده ۴۱ طرح پیش‌نویس مواد مسؤولیت دولت، آثار نقض جدی یک تعهد ناشی از قواعد آمره بیان شده است. در این ماده دو تعهد سلبی و یک تعهد ایجابی برای دولت‌ها در موارد نقض یک قاعده آمره، در نظر گرفته شده است (یاقوتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶-۳۷).

به تعبیری، به صورت ضمنی مسؤولیت کیفری دولت‌ها در چارچوب مسؤولیت مشدد بین‌المللی در موارد نقض قواعد آمره مورد شناسایی قرار گرفته است. شناسایی مسؤولیت کیفری دولت‌ها با محوریت تعهد به جبران خسارات وارده در آراء مختلفی از جمله آراء دیوان اروپایی حقوق بشر در

تشویق کشورهای ساحلی به ایجاد (کنوانسیون زیست‌محیطی دریای خزر) آغاز نمود. برای تهیه متن کنوانسیون، هشت نشست کارشناسی با شرکت کشورهای ساحلی در دسامبر ۱۹۹۵ و نوامبر ۱۹۹۶ در ژنو، فوریه ۱۹۹۸ در مسکو، مارس ۲۰۰۰ در آلماتی، ژوئن و اکتبر ۲۰۰۰ در مسکو و ۲۰۰۲ در تهران و آخرین نشست در ژوئیه ۲۰۰۳ در آستانه قزاقستان برگزار شد.

طولانی شدن این نشست‌ها از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ به سبب اختلاف‌نظر کشورهای ساحلی بر روی متون حقوقی بود. ولی در آخرین نشست نمایندگان کشورهای ساحلی توانستند متن توافق شده را در کنفرانس تهران تحت عنوان (کنوانسیون حفاظت محیط زیست دریایی دریای خزر) تدوین و نهایی نمایند. بر اساس مفاد کنوانسیون تهران ۹۰ روز پس از تسلیم سند رسمی تصویب کنوانسیون توسط هر پنج کشور ساحلی دریای خزر به کشور امین (جمهوری اسلامی ایران)، این کنوانسیون در نهایت در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۸۵ لازم‌الاجرا شد. در این پژوهش برآنیم که تعهدات دولت‌های ساحلی در معاهدات زیست‌محیطی با توجه به تشریفات انعقاد یک معاهده (مذاکره مقامات صلاحیت‌دار، نگارش معاهده، امضاء، تصویب و الحاق و تبادل اسناد) و رضایت خود را مبنی بر التزام به جبران خسارت در محیط زیست دریای خزر اعمال کنند که در نمونه و پژوهش‌های ماقبل چنین رویه‌ای به‌چشم نمی‌خورد.

۱- چالش مسؤولیت کیفری دولت‌ها و خسارات وارده بر محیط زیست

مسؤولیت کیفری دولت در ادبیات صاحب‌نظران علوم سیاسی (راس، ۲۰۰۰)، حقوق کیفری و جرم‌شناسی (روث و مولینز، ۲۰۱۱) و فعالان حقوق بشر و بشردوستانه، سابقه طولانی دارد. در ادبیات حقوق بین‌الملل نیز بحث مسؤولیت کیفری دولت در تهیه پیش‌نویس مواد طرح مسؤولیت بین‌المللی

مشترک کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و دولت‌ها است (میرحسینی و خامسی‌پور، ۱۳۹۳: ۸۰). حمایت از زیست‌محیط دریاها مختص به یک دولت خاص نیست. حق داشتن زیست‌محیط دریایی سالم هم حق و هم تکلیف اعضای جامعه‌ی بین‌الملل است (قنبری جهرمی و شفیعی بافتی، ۱۳۹۵: ۶۲). رویه قضایی مراجع بین‌المللی حاکی از لزوم همکاری بین دولت‌ها و پرهیز از اقدامات یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع دریاها است (جهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۲) تا به محیط زیست دریاها خسارت جدی وارد نشود.

دولت عضو در حمایت و حفاظت از محیط زیست در مرز آبی دریای خزر، دارای تعهدات جامع و مفصلی در حقوق و معاهدات بین‌المللی محیط زیست دریاها است (Boyle, 375: 2007). بر این اساس دولت غیرعضو کنوانسیون، از تعهد و مسؤولیت‌های مقرر در حقوق بین‌الملل محیط زیست دریاها فارغ نیستند. بلکه او فراتر از مقررات کنوانسیون متعهد به رعایت مسؤولیت و تعهدات مقرر خویش در حقوق بین‌الملل محیط زیست است. علاوه بر این، سازوکار مهار اقدامات خطرناک دریایی دولت در کنوانسیون پیش‌بینی شده است. لیکن تفسیر مقررات کنوانسیون متکی بر بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست است. بر این اساس مسؤولیت دولت عضو، ریشه در تعهدات بین‌المللی وی در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریاها دارد. شناسایی مسؤولیت و تعهدات دولت عضو کنوانسیون در ناحیه مستلزم بررسی مسؤولیت‌های وی در بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست است. ضروری است دولت عضو در حمایت از محیط زیست ناحیه اقداماتی را انجام دهد که ناشی از دیگر تعهدات بین‌المللی وی است. کما این‌که مقررات کنوانسیون در رابطه با تعهد و مسؤولیت دولت در جبران خسارت وارده بدون خدشه به اعمال دیگر بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست است (جلالی، ۱۳۸۸: ۶۳).

قضایای مانند آیدین علیه ترکیه^۱، کرت علیه ترکیه^۲ و نیز آراء دیوان درون آمریکایی حقوق بشر مانند قضیه کاسترو علیه پرو^۳، مورد شناسایی قرار گرفته است (پریرا، ۲۰۱۵: ۱۱۵). نکته جالب توجه این است که ممنوعیت گسترده آلودگی محیط زیست در دکتین و رویه بین‌المللی به‌عنوان یکی از مصادیق قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام مورد پذیرش قرار گرفته است. به همین جهت است که خسارات وارده به محیط زیست و تعهد به جبران آن‌ها، در ادبیات نویسندگان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر به‌عنوان زیرمجموعه نهاد مسؤولیت کیفری دولت قلمداد می‌شود (مک براید، ۲۰۱۸: ۱۲۷-۱۲۸).

۲- رویکرد دولت‌ها بر محیط زیست دریای خزر

ضایعات ناشی از فعالیت‌های مختلف انجام شده در بستر دریاها نظیر تخلیه مواد زاید و سمی، آلودگی ناشی از کشتی‌ها و ذرات معلق در اتمسفر و استخراج سکوه‌های حفاری آغشته به نفت برای محیط زیست دریاها زیان‌آور هستند (صدیقیان کاشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). تضمین حفاظت از آلودگی محیط زیست دریاها در برابر پیامدهای عملیات پرمخاطره فراساحلی اعم از حفاری و استخراج، یکی از مسایل جدی در حقوق بین‌الملل، محیط زیست دریاها است و اصل تحمیل هزینه‌ها به آلوده‌کنندگان محیط زیست دریاها موضوع

^۱- European Court of Human Rights: Aydin v. Turkey, 57/1996/676/866, Council of Europe: European Court of Human Rights, 25 September 1997, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,3ae6b7228.html> [accessed 14 April 2020]

^۲- Kurt v. Turkey, Appl. No. 15/1997/799/1002, Council of Europe: European Court of Human Rights, 25 May 1998, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,49997ae512.html> [accessed 14 April 2020]

^۳- Inter-American Court of Human Rights: Case of Miguel Castro Castro Prison v Peru, Miguel Castro Castro Prison v Peru, Merits, reparations and costs, IACHR Series C No 160, IHRL 1544 (IACHR 2006), 25th November 2006, Inter-American Court of Human Rights [IACtHR].

مقابل فعالیت‌های مانع و مٌخِل دفاع کنند. استفاده از کلیه ابزارهای در اختیار، تعهد اصلی هر دولت برای کنترل موجودیت‌های تحت صلاحیت وی است که این فعالیت‌ها در محیط زیست دریاها منجر به ایراد خسارت می‌شود. این قاعده متکی به تعهد دولت در جلوگیری از نقض حقوق دیگر دولت‌ها یا فضاهای خارج از صلاحیت وی با استفاده از سرزمین خویش است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶: ۶۵).

رویه دیوان بین‌المللی دادگستری مؤید این تعهد است. این تعهد بخشی از مجموعه‌ی مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست است. دولت مسؤولیت دارد که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل وی منجر به آلودگی محیط زیست دریاها نشود. فعالیت دولت یا پیمانکار تحت حمایت وی در ناحیه نیز مشمول این تعهد بین‌المللی است. کما اینکه اصل «حسن همجواری» مانع از هر نوع اقدام دولت بدون توجه به حقوق دیگر کشورها است. اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه‌ی ریو در مورد مسؤولیت دولت در قبال حفاظت از محیط زیست فراتر از قلمرو سرزمینی وی است. هر کشوری در اعمال حقوق حاکمه‌ی خود در بهره‌برداری از منابع طبیعی بنابر سیاست‌های محیط زیستی، بدون لطمه زدن به تعهدات قراردادی خویش مکلف به رعایت تشریفات است تا اینکه فعالیت تحت صلاحیت یا تحت نظارت وی سبب ورود خسارت به محیط زیست جهانی نشود. دولت برای پیشگیری از خسارات فرامرزی عمده مکلف به اتخاذ تدابیر مناسبی است که خطر ناشی از فعالیت‌های وی برای محیط زیست را به حداقل می‌رساند. در این شرایط، مقررات کنوانسیون بر اجرای بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست در رابطه با مسؤولیت دولت در این حوزه هیچ خدشه‌ای وارد نمی‌کند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۶: ۶۳).

کنوانسیون‌های بین‌المللی و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست به صورت توأمان گویای مسؤولیت دولت برای

دولت اقدامات مقتضی برای جلوگیری از گسترده شدن آثار آلودگی هوا به خارج از مناطق تحت صلاحیت خود را در اولویت امور قرار می‌دهد (International Court of Justice, 1949). از این‌رو، مسؤولیت جلوگیری از ایراد صدمه به محیط زیست ناحیه، الزام ناشی از آموزه‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست است (International Law Association, 1984). «ناحیه» از مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها است. هر دولتی در «ناحیه» نیز تعهدات و مسؤولیت‌هایی دارد. این تکلیف ناشی از تعهدات بین‌المللی دولت در حقوق بین‌الملل محیط زیست است که به مطلق تصویب لازم‌الاجراء است (Okowa, 2000: 77). بنابراین، دولت موظف است که فعالیت‌های تحت کنترل یا صلاحیت وی منجر به صدمه به محیط زیست خارج از قلمرو حاکمیتی وی نشود. هیچ دولتی حق ندارد از قلمرو خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده از آن را بدهد که منجر به ورود خسارت در قلمرو کشور دیگر و نسبت به اموال و اشخاص واقع در آن شود. تعهد به جلوگیری از صدمه به محیط زیست جهانی شامل تعهد دولت به حمایت از محیط زیست مناطق خارج از صلاحیت ملی و تعقیب فعالیت‌های غیرمجاز افراد تحت صلاحیت یا کنترل خود است. در مسؤولیت و تعهد دولت برای آلودگی هوا در قلمرو داخلی تردیدی نیست.

۳- مسؤولیت کیفری دولت‌های ساحلی در قبال محیط زیست دریای خزر

اصل پیشگیری متکی به اقدام مقتضی است که هر دولت باید در قلمرو داخلی آن را رعایت کند. اصل حمایت حداکثری از محیط زیست دریاها در دستور کار فعالان حقوق بین‌الملل محیط زیست است. کلیه دولت‌ها اعم از ساحلی و غیرساحلی هم حق و هم تکلیف دارند که از محیط زیست دریاها، حقوق و منافع و موجودیت‌های تحت حمایت خود در منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، دریاها، آزاد و ناحیه در

11: 2011). علاوه بر این، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز ضمانت اجرای کیفی برای مرتکبان آلودگی خاک در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۱۱ قانون مزبور سازمان محیط زیست در مورد کارخانه‌ها و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی خاک را فراهم می‌آورند می‌تواند دو اقدام (دادن اخطار) و یا (دادن دستور) را انجام دهد و این امر را می‌تواند کتباً با ذکر دلایل به مسؤولان آن‌ها اخطار می‌نماید، که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند، در صورتی که در مهلت مقرر اقدام ننمایند، به دستور سازمان از کار و فعالیت آن‌ها ممانعت به عمل خواهد آمد.^۱ ضمانت اجرای نقض این تکلیف در ماده ۱۲ به صاحبان کارخانه‌ها و مشاغل موضوع ماده ۱۱ به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت آن‌ها متوقف می‌شود و در صورت تخلف از شصت- و یک روز تا یک سال و با پرداخت جزای نقدی از پنج هزارو- یک تا پنجاه هزار ریال و یا به هر دو محکوم خواهند شد. این ماده در مورد اشخاص حقوقی است و ضمانت اجرای آلودگی محیط زیست توسط اشخاص حقیقی در ماده ۱۳ آمده است. هر نوع بی‌توجهی به این خطرات احتمالی، تصور دولت از رویکرد احتیاطی یا اقدام مقتضی است. بر این اساس، دولت حامی از منشأ و خصوصیات خطرات احتمالی فعالیت پیمانکار در ناحیه اطلاعاتی کسب می‌کند تا از احتمال به خطر نیفتادن محیط زیست دریاها مطمئن شود.

با این وجود تعهدات مستقیم دولت حامی، مستقل از تعهداتی است که باید از سوی پیمانکار تحت حمایت وی مدنظر قرار گیرند. مصادیق تعهدات مستقیم دولت حامی در همکاری با مقام دریاها شامل اصل احتیاط، تعهد به نظارت، تعهد به

اقدامات موجد خسارت به دریاها می‌باشند. صرف نظر از اینکه تعهد دولت حامی به همکاری با مقام دریاها در قالب اطلاع رسانی، مشورت، مذاکره یا صور دیگر، نقش عمده‌ای در پیشگیری از آلودگی محیط زیست دریاها دارد. تحت این شرایط نوبت به مسؤولیت جبران خسارت نمی‌رسد. با این وجود تضمین پایبندی پیمانکار برای فعالیت در ناحیه به شرایط مندرج در قرارداد و مقررات کنوانسیون مبنای تعهد دولت حامی وی است. این رفتار دولت عضو جلوه‌ای از اقدام مقتضی منطبق با استانداردهای بین‌المللی است که برای تحقق آن باید ضمن توسل به تمام ظرفیت‌های حقوقی تلاش کند (Okawa, 2000: 223). دولت برای تضمین اجرای تعهدات خود حداقلی از معیارهای قانونی و اجرایی متناسب مانند اصل احتیاط، اقدام مقتضی، مؤثر بودن کنترل، ظرفیت و امکانات دولت و ماهیت فعالیت را در شرایط عادی برای فعالیت پیمانکار در ناحیه مدنظر می‌گیرد.

اصل احتیاط مستلزم بکارگیری مقررات اصل ۱۵ اعلامیه ریو است. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در استناد به ماده ۱۵ اعلامیه ریو در تبیین رابطه میان رویکرد احتیاطی و تعهد به اقدام مقتضی راه‌گشا است. بر این اساس دولت حامی باید بر اساس توانایی‌های خود اقدامات احتیاطی لازم را نسبت به پیمانکار در ناحیه به هنگام استخراج منابع انجام دهد (Payne, 2011: 1). شدت اقدام مقتضی با توجه به خطرات احتمالی فعالیت پیمانکار در ناحیه مشخص می‌شود. هر چه احتمال خطرات زیست‌محیطی فعالیت پیمانکار در ناحیه بیشتر باشد، جدیت و شدت اقدام مقتضی از سوی دولت حامی وی بیشتر است. بر این اساس دولت حامی رویکرد احتیاطی را درون‌مایه تعهد به اقدام مقتضی نسبت به پیمانکار قرار می‌دهد. دولت حامی ضروری است تا دلایل علمی ولو غیرکافی دال بر تأثیر منفی و مخرب فعالیت در ناحیه را به‌عنوان نشانه‌ای پذیرفتنی از خطرات احتمالی تلقی کند (Don & et

^۱ - مطابق تبصره ماده قانون مزبور، (رئیس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در برداشته باشد بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آن‌ها را بدهد).

دولت حامی مسؤلیت دارد که فعالیت‌های پیمانکار با مقررات کنوانسیون، موافقت‌نامه اجرایی آن، آیین‌نامه‌های مقام دریاها و شروط قرارداد اکتشاف و استخراج منابع ناحیه منطبق باشد. این وضعیت نافی ترویج مشارکت مؤثر دولت‌های در حال توسعه در فعالیت‌های ناحیه نیست. مقام دریاها باید از اختیارات و توانایی‌های خود در توجه خاص به کشورهای در حال توسعه استفاده کند. مسؤلیت دولت‌های در حال توسعه، ولو در شرایط فعالیت پیمانکار، تحت حمایت دولت حامی در ناحیه همچنان محفوظ است (عامری، ۱۳۹۶: ۹۹). می‌توان بیان کرد که دولت‌های در حال توسعه نمی‌توانند در این شرایط خود را در وضعیتی متفاوت یا کم‌اهمیت‌تر از دولت حامی تلقی کنند. معضل فناوری و نحوه انتقال آن به طرف قراردادهای بهره‌برداری و استخراج یکی از چالش‌های همیشگی دولت حامی در این شرایط است. به همین دلیل دولت‌های در حال توسعه برای مشارکت اقتصادی و انتقال تکنولوژی‌های نوین به دولت حامی و پیمانکار وی تشویق شده‌اند و در این راستا می‌توانند به فعالیت‌های اقتصادی خود ادامه دهند، مشروط به اینکه به محیط زیست دریاها و نواحی ساحلی و مرزهای آبی مشترک خسارتی وارد نکنند.

تعهد دولت عضو در حفاظت و حمایت از محیط زیست ناحیه دارای ماهیت اقدام مقتضی است. با این وجود، عدول از این تعهد تابع مقررات مسؤلیت مطلق مقرر در آموزه‌های حقوق بین‌الملل نیست. اگر دولت عضو، کلیه «اقدامات لازم و مناسب» را برای پایبندی پیمانکار در ناحیه انجام داده باشد، در تأمین خسارات ناشی از فعالیت‌های وی مسؤلیتی ندارد. مفهوم «اقدامات لازم و مناسب» مبین دو مفهوم مجزا دارای کارکرد مرتبط به هم است. چراکه از یک طرف موجب اطمینان از قانون‌پذیری پیمانکار، و از طرف دیگر مستثنی شدن دولت حامی از مسؤلیت جبران خسارت می‌شود (Henley, 2011: 131). بر این اساس، مسؤلیت خسارت

اتخاذ رویه محیط زیستی برتر و تعهد به تأمین منابع جبران خسارت هستند (Seabed Disputes Chamber of the ITLOS, 2011). دولت با استناد به اصل احتیاط مکلف است که از ایراد خسارت به فضاهاى عمومی بین‌المللی پرهیز کند. کنوانسیون ارزیابی تأثیر محیط زیستی در وضعیت فرامرزی به تشریح ابعاد همکاری دولت‌ها با یکدیگر در حفاظت از محیط زیست بین‌المللی اقبال نشان داده است (United Nation, 1991). بنابراین، فرایندهای ملی برای ارزیابی تأثیر احتمالی فعالیت‌های پیشنهادی بر محیط زیست جهانی در این کنوانسیون تعریف شده‌اند. بر این اساس تعهد دولت حامی بر ارزیابی تأثیر محیط زیستی فعالیت پیمانکار در ناحیه، از الزامات وی در حقوق بین‌الملل محیط زیست دریاها است.

۳-۱- تفسیر و تحلیل تعهد به جبران خسارت دولت‌ها

تصویب و اجرای قواعد، مقررات و آیین‌نامه‌ها بین‌المللی منطبق با مقررات فصل ۱۱ کنوانسیون در جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریاها ناشی از فعالیت‌های پیمانکار در ناحیه از مسؤلیت‌های دولت حامی است. این قاعده‌گذاری دولت باید به اقدامات موضوع فصل ۱۲ کنوانسیون از جمله مواد ۱۹۴، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵ و ۲۰۶ ضمانت اجرا دهد. یا به کنترل هرچه بیشتر مقام دریاها بر فعالیت‌های پیمانکار در ناحیه کمک کند. مقررات کنوانسیون هیچ تصریحی بر ماهیت ایراد خسارت به مرز آبی ندارند. مقام دریاها مدیریت فعالیت دولت‌ها را در ناحیه برعهده دارد. این خسارت علیه «میراث مشترک بشریت» است. لیکن مدعی این خسارت مشخص نیست. شاید بتوان مقام دریاها را به نمایندگی از بشریت و هریک از دولت‌های عضو را به دلیل داشتن منافع در دریاها (Orakhelashvili, 132: 2006) به‌عنوان مدعی خسارت وارده از سوی پیمانکار یا هر دولتی به محیط زیست ناحیه تلقی کرد.

مسئولیت و تعهد دولت به وجود می‌آیند تا مقررات کنوانسیون از قبل مانع آن نشود. به بیان دیگر اگر مسئولیت‌های جدیدی برای دولت‌های عضو کنوانسیون در اثر تحولات آتی حقوق بین‌الملل محیط زیست ایجاد شود که کنوانسیون قبلاً به آن‌ها نپرداخته است، این مسئولیت جدید به مسئولیت‌های مقرر دولت عضو در این کنوانسیون اضافه می‌شود.

قید «بدون خدشه به مقررات حقوق بین‌الملل» باعث می‌شود هیچ دولت عضوی نتواند ادعا کند که او فقط مقید و پای‌بند به مقررات مذکور در کنوانسیون است و از مسئولیت‌های آتی ناشی از بایسته‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست تبعیت نمی‌کند (صالحی، ۱۳۹۵: ۲۷). در نتیجه، قصور دولت عضو از اجرای تعهدات به تنهایی منجر به مسئولیت وی نیست. شرایط موجد مسئولیت دولت عضو شامل سه جزء ۱- قصور از تعهدات به موجب کنوانسیون حقوق دریاها، ۲- ایراد خسارت و ۳- وجود رابطه علیت میان قصور دولت عضو و ایراد خسارت است. مسئولیت دولت حامی و پیمانکار برای جبران خسارت از نوع تضامنی است. دولت عضو با پرداخت خسارت از سوی پیمانکار، دیگر مسئولیتی جداگانه ندارد. لیکن اگر پیمانکار تعهدات ناشی از کنوانسیون، شروط قرارداد و دیگر مقررات بین‌المللی محیط زیست را نقض کند، ایراد خسارت ناشی از این رفتار پیمانکار متوجه دولت حامی وی نیست (Seabed Disputes Chamber of the ITLOS, 2011: 89).

اگر نقض تعهدات پیمانکار همزمان با نقض تعهدات دولت حامی منجر به ایراد خسارت به محیط زیست ناحیه شود، هر دو به تساوی مسئولیت دارند. از این رو، هر یک باید سهم خود را در جبران خسارت وارده پرداخت کنند (Plakokefalos, 2012: 141). رژیم موجود در کنوانسیون حقوق دریاها قائل به تقسیم مسئولیت در فرض وجود دو دولت حامی از فعالیت‌های یک پیمانکار دارای دو تابعیت تحت کنترل دو دولت

ایجاد شده در ناحیه زمانی متوجه دولت است که او از تعهدات خویش نسبت به پیمانکار قصور کرده باشد. حال آن‌که تبعیت دولت از تعهد به اقدام مقتضی الزاماً به معنای فراغت وی از مسئولیت نیست. اطمینان از اجرایی بودن تعهدات پیمانکار، درون‌مایه تعهد به اقدام مقتضی است. در هر صورت، قصور دولت از تعهدات خویش مسئولیت‌آور است، ولو اینکه اکتشاف و استخراج منابع ناحیه بدون هیچ تهدیدی به محیط زیست دریاها خاتمه یابد. اما رویه قضایی شعبه حل اختلاف بستر دریاها چیزی غیر از این معیار است (صالحی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). براساس این رویه، نقض اقدام مقتضی و تعهدات مستقیم دولت حامی، مشروط به ایراد خسارت در ناحیه منجر به مسئولیت وی می‌شود. این مسئولیت متکی به تحقق عینی خسارت به محیط زیست ناحیه است. مسئولیت دولت به جبران خسارت مستلزم وجود رابطه علیت میان قصور او از اعمال تعهدات و ایراد خسارت از سوی پیمانکار در ناحیه است. در این وضعیت، فرض وجود رابطه علیت به مطلق ایراد خسارت وجود ندارد. از این رو اثبات رابطه علیت میان قصور و ایراد خسارت ضروری است (Seabed Disputes Chamber of the ITLOS, 2011).

با کمی تأمل می‌توان بیان داشت که صرف ایراد خسارت از سوی پیمانکار به محیط زیست ناحیه مؤید مسئولیت دولت حامی نیست. دولت عضو می‌تواند با اثبات انجام تعهداتش نسبت به پیمانکار از جبران خسارات وارده به محیط زیست ناحیه رهایی یابد. این وضعیت چیزی غیر از بایسته‌های مسئولیت بین‌المللی دولت حامی است که در ابتدای ماده (۲) ۱۳۹ کنوانسیون به آن تصریح شده است. قید «بدون خدشه به مقررات حقوق بین‌الملل» حاکی از تفکیک مقررات ماده ۱۳۹ کنوانسیون از مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این شرط برای اطمینان از اتخاذ رویکردهایی است که در اثر تحولات حقوق بین‌الملل محیط زیست در رابطه با

دولت عضو کنوانسیون باید تا حد امکان، آلودگی‌های ناشی از تأسیسات و تجهیزات اکتشاف و استخراج منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریاها را کاهش دهد. تا اکوسیستم‌ها، زیستگاه‌ها، نمونه‌ها و دیگر اشکال زندگی دریایی از قِبل آن حفاظت و حمایت شوند.

با این وجود، دولت عضو مسؤولیت کیفری ندارد اگر به تعهدات خویش نسبت به پیمانکار عمل کرده باشد، لیکن فعالیت‌های پیمانکار منجر به ایراد خسارت به محیط زیست دریای خزر در مرز آبی شده باشد. به‌همین نحو، دولت حامی مسؤولیتی ندارد اگر فعالیت‌های پیمانکار تحت حمایت وی در ناحیه منجر به ایراد خسارت محیط زیستی نشده باشد؛ ولو اینکه دولت حامی از انجام تعهدات خویش نسبت به پیمانکار قصور کرده باشد. در عین حال که شناسایی مصادیق قصور دولت در ایجاد خسارات ناشی از فعالیت پیمانکار تحت حمایت وی در ناحیه و نحوه جبران آن در اولویت است، لیکن میان ایجاد خسارت ناشی از قصور دولت در مسؤولیت تضمین قانون‌مداری پیمانکار و ایجاد خسارت ناشی از نقض تعهدات پیمانکار فرق است. اگر پیمانکار از تعهدات خود بر اساس مقررات کنوانسیون و شروط قرارداد بهره‌برداری از منابع ناحیه سرپیچی کند، مسؤولیت آن متوجه دولت حامی نیست. تعهد تضمین بر اقدام مقتضی (جلوگیری از ورود کشتی‌های مواد آلوده‌کننده، عدم استخراج و بهره‌برداری غیراستاندارد که حیات گونه‌های زیست‌محیطی دریا را تهدید کند و ...) مانع از ایراد خسارت تا جایی است که خسارت از سوی پیمانکار به خاطر قصور دولت حامی وی نباشد. اگر خسارت از سوی پیمانکار در هر صورت رخ دهد، ولو اینکه دولت حامی اقدامات مقتضی لازم را انجام داده باشد، مسؤولیت مدنی و جبران خسارت برای وی متصور است.

حال آن که در قلمرو حقوق مسؤولیت مدنی ضروری است دولت حامی که واگذارکننده و اجازه‌دهنده به فعالیت‌های

نیست. مسؤولیت پیمانکار به‌خاطر قصور از رعایت مقررات و دولت حامی وی به‌خاطر قصور از تعهد به اقدام مقتضی، دو مقوله مجزا از یکدیگر هستند. هریک از آن‌ها به‌خاطر قصور از مسؤولیت خود مکلف به جبران خسارات وارده هستند (صدیقیان، ۱۳۹۱: ۱۵۰). نتیجه این تفکیک آن است که اگر پیمانکار نتواند از عهده خسارات ناشی از قصور از رعایت مقررات کنوانسیون و شروط قرارداد برآید، پرداخت آن برعهده دولت حامی وی قرار نمی‌گیرد. باید بیان داشت که در فرض پایبندی دولت حامی بر تعهداتش نسبت به پیمانکار و عدم ایراد خسارت به محیط زیست ناحیه، امکان سنجش میزان مسؤولیت وی ممکن نیست. در حقوق بین‌الملل مقرراتی دال بر مسؤولیت دولت به‌خاطر انجام تعهدات قانونی وجود ندارد. در عین حال، اگر با رعایت تعهدات دولت و پیمانکار مورد حمایت باز هم خسارتی به محیط زیست وارد شد، کنوانسیون دارای خلاء است. لذا ایجاد صندوق جبران خسارات تحت نظارت مقام دریاها^۱ برای جبران چنین لطماتی به محیط زیست ناحیه ضروری است.

نتیجه‌گیری

دولت‌ها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی مطابق سیاست‌های محیط زیستی (مرز آبی دریای خزر) حق حاکمیت دارند، و این بهره‌برداری را با استناد به رویه قضایی (تحدید حدود کشورهای ساحلی) است که در سال ۱۹۶۹ توسط دیوان بین‌المللی دادگستری صادر شده، می‌باشد، مشروط به اینکه فعالیت‌های در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها موجب ورود زیان به محیط زیست جهانی نشود. بر این اساس، تعهدات بین‌المللی ریشه در حقوق و معاهدات بین‌المللی دارند. تعهد به نظارت، تعهد به ارزیابی تأثیر محیط زیستی، تعهد به همکاری، اصل احتیاط و اصل پیشگیری از ایراد خسارات به محیط زیست دریاها از جمله این تعهدات هستند. اقدامات

^۱ - Seabed Disputes Chamber of the ITLOS, 2011

دریای خزر، متعهد به اقدام مقتضی نیست. بلکه بر عکس، آن‌ها باید اقدامات احتیاطی بیشتری را برای تبعیت پیمانکار تحت حمایت از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها، آیین‌نامه‌های مقام دریاها و دیگر مقررات موجد مسؤولیت مدنی جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های ولو مجاز صورت دهد؛ چراکه او از ابزارهای نظارت و کنترل مستمر و ارزیابی خطرات احتمالی فعالیت‌های پیمانکار یا دولت مستقر برای فعالیت در بستر دریاها ناتوان است. لذا ضروری است که یا خود را به سطح استانداردهای مورد انتظار برای حمایت از پیمانکار متقاضی بهره‌بردار یا استخراج منابع در دریای خزر برساند و عواقب زیست‌محیطی این حمایت را مطلقاً بپذیرد، یا اینکه اگر نمی‌تواند مسؤولیت‌های جبران خسارات ناشی از فعالیت پیمانکار در ناحیه در هر صورت پاسخگو باشد، از اعلام آمادگی برای حمایت از پیمانکار خودداری کند. رویکرد ثانی زمینه‌ساز حضور و شرکت دولتی‌هایی توانمند در حمایت از فعالیت‌های پیمانکاران در بستر دریای خزر است که توانایی جبران خسارات احتمالی ناشی از فعالیت‌های وی را داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده مسؤول و نظارت بر آن توسط سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که در انجام این مقاله به نگارندگان کمک نموده‌اند، تشکر می‌نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

پیمانکار تحت حمایت وی در دریای خزر است، دارای مسؤولیت مدنی مطلق باشد. بر این اساس، فرقی میان ایراد خسارت ناشی از سرپیچی وی یا سرپیچی پیمانکار مورد حمایت وی نیست. در هر صورت، دولت حامی باید خسارات وارده به ناحیه را از سوی موجودیت مورد حمایت وی جبران کند. با این تفاوت که اگر خسارت ناشی از سرپیچی وی در اتخاذ اقدامات مقتضی و لازم نسبت به پیمانکار باشد، مسؤولیت مدنی با دولت باشد. اگر خسارت وارده از سوی پیمانکار به مرزهای آبی و محیط زیست دریای خزر ولو با انجام تعهدات دولت حامی در هر صورت رخ دهد، مسؤولیت برعهده پیمانکار باشد. لیکن در هر دو صورت طرف پاسخگوی جامعه بین‌المللی به‌خاطر خسارات وارده به ناحیه دولت حامی باشد. سپس بتواند در حالت دوم از تضمین‌های لازم پیمانکار که در زمان تنظیم قرارداد حمایت با وی أخذ کرده است، وجوه پرداختی را کسر کند. با این همه، در حالت فعلی بخاطر فقدان مقررات موجد مسؤولیت مدنی مطلق دولت عضو برای خساراتی که ناشی از اعمال غیرقانونی وی نیست، ایجاد صندوق جبران خسارات به موجب مقررات ماده (۳) ۲۳۵ کنوانسیون برای پرداخت خسارات وارده به محیط زیست (مرز آبی دریای خزر) ضروری است. بدون تردید بودجه لازم این صندوق برعهده دولت‌های عضو کنوانسیون است که به نظر می‌رسد در شرایط ورود خسارت بدون اینکه کسی مسؤولیت جبران داشته باشد، مدعی و زیان‌دیده در یک فرد جمع می‌شود. کلیه دولت‌های عضو می‌توانند بنا به قاعده «تعهد بر حفظ محیط زیست» مدعی ایراد خسارت باشند، در حالی که خسارت وارده نیز از حق عضویت‌های پرداختی آن‌ها برای تأمین بودجه صندوق امانات جبران شده است و مسؤول اصلی ایراد خسارات از جبران آن شانه خالی کرده است.

بنابراین، نباید تصور شود دولت‌های کم‌برخوردار از امکانات مدرن پیشگیری و کنترل خسارت به محیط زیست دریاها

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بیرانوند، فرید (۱۳۹۹). *مسئولیت کیفری شرکت های تجاری در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تأکید بر اقدامات شرکت آمریکایی بلک واتر در عراق)*. تهران: نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ.
- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۴). *تقریرات حقوق بین‌المللی عمومی ۲*. چاپ دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰). «بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز و تحدید حدود دریایی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵: ۱۱۳-۱۴۵.
- صالحی، جواد (۱۳۹۲). «دستاوردهای نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دریاها در حمایت از محیط زیست دریاها». *مجله ایمنی زیستی*، ۳: ۹۵-۱۱۲.
- صدیقیان کاشانی، منصوره؛ مشهدی، علی و نادری، سمیرا (۱۳۹۱). «تعهدات دولت‌های ساحلی حوزه خلیج فارس در مقابله با کشورهای دیگر». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۴۶: ۱۴۹-۱۶۸.
- عالی‌پور، حسن و بستان، مژده (۱۳۹۴). «امنیت ترابری دریایی و اقدامات تأمینی دریایی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۸(۲): ۱۰۳-۱۳۸.
- عامری، فیصل (۱۳۹۶). «الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران و معضل انتقال فناوری در صنعت نفت». *پژوهش حقوق عمومی*، ۵۵: ۸۳-۱۰۷.
- قاسمی، غلامعلی و تسخیری، محمدصالح (۱۳۹۶). «شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی». *پژوهش حقوق عمومی*، ۵۵: ۲۱۵-۲۴۳.
- قنبری چهرمی، محمدجعفر و شفیعی بافتی، نگین (۱۳۹۵). «ابعاد حقوقی بین‌المللی مقابله با آلودگی نفتی دریایی و نظام مسئولیت کیفری». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۵۵: ۵۳-۸۰.
- مشهدی، علی و شاه‌حسینی، عطیه (۱۳۹۶). «خصوصی-سازي مسئولیت در جبران خسارات زیست‌محیطی؛ گذار از مسئولیت بین‌المللی دولت به مسئولیت متصدیان خصوصی فعالیت‌های خطرناک». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۷(۲): ۳۴۵-۳۶۲.
- ملاحی، مهدی و صالحی، جواد (۱۳۹۱). «بررسی قوانین حامی محیط زیست خلیج فارس در ایران». *فصلنامه بوم-شناسی آبریزان*، ۳: ۶۰-۷۶.
- موسوی، فضل‌الله و طباطبایی نژاد، محمد (۱۳۹۳). «قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۴(۳): ۴۶۱-۴۷۵.
- موسوی، فضل‌الله و قیاسیان، فهیمه (۱۳۹۰). «جبران خسارات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل». *فصلنامه حقوق*، ۴۱(۱): ۳۲۷-۳۴۶.
- میرحسینی، مجید و خامسی‌پور، فرسیما (۱۳۹۳). «قانون حاکم بر دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق اتحادیه اروپا و ایران». *فصلنامه راهبرد*، ۷۳: ۷۳-۹۲.
- یاقوتی، ابراهیم؛ خزایی، احمدرضا و بیرانوند، فرید (۱۳۹۸). *جستارهایی پیرامون قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ب. منابع انگلیسی

- Patricia, B; Boyle, A & Redgwell, C (2009). *International Law and the Environment*. 3rd ed., New York: Oxford University Press.
- Boyle, A (2015). "The Environmental Jurisprudence of the International Tribunal for the Law of the Sea". *Int'l J. Marine & Coastal Law*, 22(3): 369-381.
- Don, A & et al. (2011). "Advisory Opinion on Responsibility and Liability for International

- Orakhelashvili, A (2008). *Peremptory Norms in International Law*. New York: Oxford University Press.
- Payne, Cymie (2011). "Chamber advises caution in seabed mining, International Law Grrls". Available at: <http://www.intlawgrrls.com/2011/03/chamber-advises-caution-in-seabed.html>.
- Pereira, R (2015). *Environmental Criminal Liability and Enforcement in European and International Law*. Boston: Brill.
- Plakokefalos, I (2012). "Seabed Disputes Chamber of the International Tribunal for the Law of the Sea; Responsibilities and obligations of states sponsoring persons and entities with respect to activities in the advisory opinion". *Journal of Environmental Law*, 24(1): 133-143.
- Ross, J (2000). *Controlling State Crime*, 2nd ed., London: Transaction Publishers
- Rothe, D & Mullins, Ch (2011). *State Crime: Current Perspectives*. London: Rutgers University Press.
- Seabed Mining: International Environmental Law in the Seabed Disputes Chamber". *ANU College of Law Research Paper*, 11(6): 1-15.
- Fayette, L (2011). "ITLOS and the Saga of the Saiga: Peaceful Settlement of a Law of the Sea Dispute". *Int'l Journal of Marine & Coastal Law*, 15(3): 355-392.
- Henley, P (2011). "Minerals and Mechanisms: The Legal Significance of the Notion of the Common Heritage of Mankind in the Advisory Opinion of the Seabed Disputes Chamber". *Melbourne Journal of International Law*, 12(2): 125-147.
- Louka, E (2006). *International Environmental Law: Fairness, Effectiveness, and World Order*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lowe, V & Stefan, T (2009). *The Legal Order of the Oceans: Basic Documents on the Law of the Sea*. London: London Hart Publishing.
- McBride, J (2018). *Human rights and criminal procedure: The case law of the European Court of Human Rights*. London: Council of Europe.
- Okowa, Ph (2016). *State Responsibility for Transboundary Air Pollution in International Law*. New York: Oxford Monographs in International Law.